

تبارشناسی نقش زیارتی-گردشگری شهر مشهد

محمدعلی فیروزی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، نویسنده

مسئول)

m.alifiroozi@scu.ac.ir

جعفر جوان (استاد جغرافیای ناحیه‌ای، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

jafar.javan@yahoo.com

معصومه توانگر (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

masoomeh_tavangar@yahoo.com

صص ۱۹۱ - ۱۵۵

چکیده

هدف: این مقاله با هدف تحلیل نقش زیارتی و گردشگری شهر مشهد، از طریق شناسایی گسست‌ها، گفتمان‌های مسلط و آثار فضایی گفتمان‌ها بر شهر مشهد با تمرکز بر روش تبارشناسی فوکو، تدوین شده است.

روش تحقیق: روش تحقیق حاضر تبارشناسی فوکویی است. رهیافت تبارشناسی به مثابه چارچوب نظری و روشی است که پدیده شهر را با نگاهی تاریخی می‌نگرد. تحلیل تبارشناسانه نقش شهر و تحولات آن در طول زمان، نمایانگر فرایند گذار شهرها از وضعی به وضع دیگر، آرایش‌های گفتمانی و روابط میان گفتمان‌ها در یک جامعه و شناسایی احکام و گزاره‌های گفتمانی در خلق شهر با نقش خاص است.

یافته‌ها: بررسی ساختار قدرت در پیوند با دانش که به تولید فضای شهری منجر شده است، تحلیل مناسبی از تحولات نقش شهری ارائه می‌دهد. بدیهی است تحولات و توسعه شهر مشهد در پیوند با نقش زیارتی آن معنا می‌یابد. در این مقاله ساختار قدرت/دانش پدید آورنده و جهت‌دهنده به نقش زیارتی و گردشگری مشهد، در درون دو کلان گفتمان دوران تسلط مدرنیسم و دوره پیشامدرن، تحلیل و واکاوی شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد، گفتمان پیشامدرن تحت تأثیر دو گسست مهم؛ نخست شهادت امام رضا(ع) و پیدایش مشهدالرضا و دوم، استقرار حکومت صفویان و نضج و گسترش مذهب تشیع در ایران، عرصه نقش‌آفرینی روابط قدرت/دانش به سمت و سوی تقویت نقش مذهبی و زیارتی مشهد پیش رفت و در هنگامه ورود مدرنیسم به کشور و تسلط گفتمان مبتنی بر آن و در پاسخ به تحولات فضای اجتماعی شهر، در تعامل با فضای جهانی و ملی و در قالب سه خرد گفتمان مشروطیت، ملی‌گرایی عصر پهلوی و اصول‌گرایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به سوی نقش تلفیقی زیارتی - گردشگری سوق یافته است.

کلیدواژه‌ها: تبارشناسی، گفتمان، نقش زیارتی، نقش گردشگری، شهر مشهد.

مقدمه

«شهر» یکی از مهم‌ترین عرصه‌های زیست‌انسان و بستر تحولات اجتماعی جامعه انسانی و یکی از عناصر فضای جغرافیایی است که در طول زمان و تحت تأثیر عوامل گوناگون طبیعی و انسانی پدید آمده و توسعه می‌یابد. شهر بخشی از کشور و جزیره‌ای درون آن است (مویر، ۱۳۷۹، ص. ۲۳۹) و فضای شهری جزئی از فضای کلان‌تر جغرافیایی است. بنابراین مطالعه شهر می‌تواند درک بهتری از تحولات جامع ناحیه‌ای، از راه مطالعه ساختارهای فضایی، جریان‌های سیاسی و نظام‌های ارتباطی و اقتصادی فضا را در بر گیرد. از این نظرگاه، ساختارهای ایجادشده در شهر و از ورای فضای شهر، نقش و کارکرد شهر در طول زمان را شکل و معنا می‌بخشد. شهر به‌عنوان یک واحد فضایی، دارای خصیصه‌ها، کارکرد و نقش و جنبه‌های مختلفی از زندگی جمعی یک گروه انسانی در یک فضای خاص است که همین ویژگی‌ها به شهر روح زندگی و ماهیتی پویا داده است (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۹۱، ص. ۴۰) و نقش کنونی و آتی آن را تعریف می‌کند. شهر محیطی پویا است و توسعه شهری و تغییر و تحولات نقش شهر، متأثر از مناسبات دانش و قدرت متبلور در برنامه‌ریزی‌های فضای شهری و در فضای ورای آن و پرورش یافته اندیشه سیاسی زمان، مکان و ویژگی‌های خویش است. در شهرهای با کارکرد دینی و مذهبی، توسعه شهری عمدتاً درون‌زاست و این عامل تعیین‌کننده نقش آن است. شهر مشهد از شهرهای مذهبی جهان است

که علت وجودی آن را مرقد مطهر امام رضا(ع) توجیه و تبیین می‌کند. در طی زمان این هویت، شکل‌دهنده کارکرد و نقش شهر با محوریت زیارت و زائر بوده است. در این شرایط هویت و کارکرد شهر تقویت‌کننده هم بوده و تعامل دو سویه داشته‌اند. نتیجه چنین تعاملی، شکل‌گیری فضای شهر، با خصوصیات مرتبط با آن خواهد بود. بنابراین، تنوع فضایی شهر مشهد براساس هویت و نقش و کارکرد آن شکل گرفته است (امیرفخریان و مبینی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰).

شهر مشهد با جمعیتی بیش از ۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و ۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت، مهمترین نقطه شهری شرق کشور و بالاتر از آن، نگین درخشانی بین دو صحرای ترکمنستان و بیابان مرکزی ایران محسوب می‌شود. روند تحولات کالبدی شهر مشهد بیانگر آن است که طی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۳۵، جمعیت و وسعت آن به ترتیب به ۱۱،۲۵ و ۱۸،۷۵ برابر شده است (رهنما و امیرفخریان، ۱۳۸۴، ص. ۹۲). از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۵، سه طرح جامع، برای آن تهیه شده که طرح‌های اول و دوم به دلیل عدم همخوانی با تغییرات بوقوع پیوسته، قبل از موعد مقرر بازنگری شده‌اند. حاکمیت ایدئولوژی اسلامی - شیعی و لزوم حفظ و ارتقای جایگاه این تفکر ایدئولوژیک از سوی برنامه‌ریزان، تصمیم‌سازان و حکمرانان شهری، برای توسعه شهر مشهد از یک سو و موقعیت شهر مشهد به عنوان یکی از کلان‌شهرهای اصلی در سلسله‌مراتب نظام شهری ایران، از دیدگاه اقتصاد سیاسی، به شکل‌گیری و توسعه فیزیکی این شهر و تحولات نقش آن انجامیده است. مشهد شهر زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) است و باید پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی دو جامعه "مجاور" و "گردشگر-زائر" باشد. بنابراین، ساختار مدیریت شهری مشهد و تلافی عناصر قدرت در شهر، ساختار دوگانه‌ای است که در آن، مدیریت شهری و زیارت درهم آمیخته است. در یک سمت و بخشی از آن «نهادهای دولتی» و در سمت دیگر «نهادهای غیردولتی چون آستان قدس رضوی و سایر نهادهای مرتبط با مقوله زیارت» تأثیرات قابل توجهی بر مدیریت شهری دارند و به‌عنوان اهرم‌های اصلی قدرت و تصمیم‌گیری، دیپلماسی شهری مشهد و نقش محلی، ملی و بین‌المللی و گفتمان‌ها و فراگفتمان‌های تولید و بازتولید فضای شهری نقش ایفا می‌کنند. اگرچه در ادبیات برنامه‌ریزی شهری، عمدتاً نقش شهر بر پایه شاخص‌های اقتصادی

تعیین می‌شود، در حال حاضر نمی‌توان تنها به فاکتورهای اقتصادی بسنده کرد. پژوهش حاضر بر آنست تا برای تعیین و تحلیل چگونگی شکل‌گیری و تحولات نقش شهر، گفتمان‌های مسلط در فرایند شکل‌گیری و نقش‌پذیری این پدیده جغرافیایی (شهر) را تحلیل کند و در این راستا از روش تبارشناسی فوکو بهره خواهد برد. از دیدگاه ساختارگرایی، نظریاتی چون اقتصاد سیاسی و شهر، سیستم‌های شهری اغلب یک سیستم (ساختار) در حال تغییر به شمار می‌آیند (شکویی، ۱۳۷۹، صص. ۳۳۹-۳۳۸). از دیدگاه فوکو^۱ نیز، این فضای در حال تغییر و تحول شهری در سیطره قدرت و دانش قابل تحلیل است که در نهایت منجر به شکل‌گیری فضای اجتماعی شهر و نقش مسلط آن می‌شود (صالحی زاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۷).

از منظر فوکو و با نگاهی تبارشناسانه، فضا زائیده تعامل دانش و قدرت است. فضا، در هر کنش قدرت، امری اساسی است و هر کنش قدرت از طریق فضا و انواع عقلانیت‌های فضایی اعمال می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت هر نظریه و عمل برنامه‌ریزی (برای فضاها جغرافیایی) بدون در نظر گرفتن رابطه بین فضا و قدرت امری پوچ و بی‌معنا خواهد بود و از آنجایی که فضای جغرافیایی، فضایی اجتماعی است و صورت‌ها و ساخت‌های آن آفریده کنش‌های انسانی است، شناخت نیروهای پدیدآورنده و تغییردهنده فضای جغرافیایی و محتوای اجتماعی آن‌ها (شبلینگ^۲، ۱۳۷۷، ص. ۱۰۸) امری ضروری در کشف و تحلیل گفتمان‌های سازنده آن است (صالحی زاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۹). به بیان فوکو، گفتمان‌ها کلید فهم وقایع سیاسی و اجتماعی فضا هستند. پژوهش حاضر بر آن است تحولات نقش زیارتی-گردشگری شهر مشهد، گسست‌ها و گفتمان‌هایی را که این تحولات را در طول زمان رقم زده‌اند، با رویکرد تبارشناسانه فوکویی شناسایی کند و در پی پاسخ به این پرسش‌ها است: ۱- گسست‌های تاریخی و گفتمان‌های مسلط پدیدآورنده نقش زیارتی-گردشگری شهر مشهد چیست؟ ۲- گفتمان‌های پدیدآورنده نقش زیارتی-گردشگری شهر مشهد، در دوران تسلط خود، چه اثراتی بر فضای شهری مشهد برجای گذاشته‌اند؟ بنابراین هدف کلان تحقیق، تحلیل تبارشناسانه نقش زیارتی-گردشگری شهر مشهد و اهداف جزئی‌تر آن شامل شناسایی گسست-

1. Foucault Michel

2. Shebling

های تاریخی تأثیرگذار بر ایجاد و تقویت نقش زیارتی -گردشگری شهر مشهد، شناسایی گفتمان‌های پدیدآورنده نقش زیارتی - گردشگری شهر مشهد و در نهایت، بررسی اثرات گفتمان‌های مسلط، بر فضای شهری مشهد می‌باشد.

۲. پیشینه تحقیق

تحلیل تبارشناسانه نقش شهر و تحولات آن در طول زمان، در واقع نمایانگر فرایند گذار شهرها از وضعی به وضع دیگر، آرایش‌های گفتمانی^۱ و روابط میان گفتمان‌های موجود در یک جامعه و شناسایی احکام و گزاره‌های گفتمانی در خلق شهر با نقش و کارکرد خاص است. در این میان، نقاط عطف و گسست تاریخی و گفتمان‌های پیش و پس از گسست‌ها، بیان‌کننده تغییرات نقش و کارکرد شهرها، تحت تأثیر عوامل کلان و خرد جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی است که همچون حلقه‌های یک زنجیر، پیوند عناصر قدرت و دانش و ایستمه مربوطه را در عرصه شهر به نمایش می‌گذارد. مشهد، کلان‌شهری در حال گذار است و نقش مسلط گردشگری-زیارتی آن تحت‌تأثیر گفتمان‌های مسلط و روابط قدرت بر ساخته آن در حال تغییر است. از این رو، در بررسی پیشینه پژوهش حاضر با این رویکرد به موضوع پرداخته شده است. چرا که هدف تحقیق بررسی فضای گردشگری شهر مشهد نیست، بلکه تحلیل فرایندهایی است که پدیده آورنده گفتمان‌های مسلط بوده است.

بررسی منابع علمی خارجی و داخلی نشان می‌دهد که مطالعات بررسی نقش و کارکرد شهرها، عمدتاً بر پایه بررسی تحولات اقتصادی مناطق جغرافیایی و فضا‌های شهری صورت گرفته و شاخص‌های اقتصادی از قبیل وضعیت اشتغال جمعیت شهری در بخش‌های اصلی اقتصاد شهر، مبنای تحلیل نقش و کارکرد شهرها بوده است. تحلیل نقش و کارکرد شهر، موضوعی کاملاً بنیادی است. صرف نظر از روش‌های پژوهش متفاوتی که تحقیقات این حوزه اتخاذ کرده‌اند، پژوهش‌های بسیاری در داخل کشور با محوریت بررسی ساختارهای حاکم بر برنامه‌ریزی فضایی گردشگری در شهرها و عوامل مؤثر بر آن که تعیین و تقویت‌کننده نقش و کارکرد گردشگری در مناطق جغرافیایی است، در قالب مقاله و پایان‌نامه و گزارش‌های

1. Discursive formation

تحلیلی تدوین شده است که عمدتاً به طور ضمنی به ساختارهای قدرت و دانشی که پدیدآورنده این نقش در شهرها می‌باشند پرداخته‌اند. مطالعه منابع نشان‌دهنده این واقعیت است که تبیین موضوع "نقش شهر" که محور اصلی این پژوهش است در کشورهای توسعه‌یافته که در ادبیات برنامه‌ریزی مدرن دارای سابقه طولانی تری هستند، غنی‌تر و قوی‌تر بررسی شده است. این فرایند در تحقیقاتی که تغییر و تحولات شهری در مقاطع زمانی مشخص را تحلیل و بررسی کرده‌اند، گویای این موضوع است. به عنوان نمونه، کورنیش^۱ (۱۹۷۷) پایتخت‌های بزرگ (کلان‌شهرها) را از دیدگاه جغرافیای تاریخی تحلیل کرده و تأثیر عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... را در گذر زمان و در طول تاریخ شکل‌گیری و تحولات نقش و کارکرد این کلان‌شهرها، مورد تأکید قرار داده است. گاتمن^۲ (۱۹۷۷) در پژوهش خود نقش و کارکرد کلان‌شهرهای دارای نقش پایتخت را بررسی کرده و عوامل مؤثر بر پذیرش چنین نقشی را مورد تحلیل قرار داده است. هال^۳ (۱۹۹۳) تغییرات نقش و کارکرد پایتخت‌ها (شهرهای دارای نقش پایتخت) را مورد تحلیل قرار داده و یک دسته‌بندی شش‌گانه براساس نقش برای شهرهای مذکور قائل شده است. گروه توسعه زیرساخت‌های شهری بانک جهانی در سال ۲۰۰۰ در کتابی با عنوان *شهرهای در حال گذار*^۴، استراتژی حکومت‌های شهری و محلی، چشم‌انداز شهرهای پایدار و نحوه گذار شهری و الزامات رسیدن به استراتژی و چشم‌اندازهای مذکور را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب با تأکید بر اقتصاد سیاسی فضا، «گذار» شهرها و دستورالعمل‌های تحقق تغییرات فضایی و انتقال از شرایط پیشین به شرایط جدید و رسیدن به تعادل فضایی را بررسی کرده است. هارینگتون^۵ (۲۰۰۵) در کتابش با عنوان *فضاهای اقتصادی جدید، جغرافیای اقتصادی جدید، فضاهای اقتصادی پویا*^۶ موضوع پویایی فضاهای اقتصادی و فرایندهای اقتصادی، سازمانی، نظری و روش‌شناختی سیاست-گذاری‌های شهری را مورد بررسی و بحث قرار داده است و مجموعه عوامل جغرافیایی ایجاد

1. Cornish

2. Gutman

3. hall

4. Cities in Transition

5. Hrington

6. New Economic Spaces: New Economic Geographies (Dynamics of Economic Space)

تغییرات اقتصادی در فضاهای جغرافیایی را مرور کرده است. تغییرات سریع اقتصادی در سطوح ملی و منطقه‌ای، چارچوب‌ها، موضوعات و روش‌ها، مورد بحث قرار گرفته و فرایندهایی که نیاز به تغییر دارند، تحلیل شده است. این متن تحلیل جامعی از طیف وسیعی از ابزارهای مختلف و نوآورانه موجود را که از طریق آن می‌توان فعالیت‌ها و تعاملات اقتصادی منطقه را مشاهده کرد، پیش روی خواننده قرار می‌دهد. جکسون^۱ (۲۰۰۷) نیز در کتاب خود با عنوان *آینده شهری، انتخابی از بین آلترناتیوها*^۲ ابتدا به مسائل شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری بر اساس شناخت ویژگی‌های طبیعی و انسانی شهر پرداخته و سپس بر اساس پیش‌بینی نیازهای آتی شهر، برنامه توسعه و رشد شهری و الزامات آن، برنامه‌ریزی کاربری اراضی، دسترسی‌های شهری، تحلیل هزینه فایده اجرای روزه‌ها و برنامه‌های شهری را مدنظر قرار داده و آینده شهر بر اساس تمامی آلترناتیوهای موجود، شاخص‌های پیشنهادی گسترده و کارایی شاخص‌ها برای برنامه‌ریزی آینده شهرها را مطرح کرده است. زیمرمن^۳ (۲۰۱۰)، در پژوهش خود، سیاستگذاری و فضا را در ارتباط با یکدیگر و محیط زیست و نوع برنامه‌ریزی حاصل از ارتباط بین دو عامل را تحلیل کرده است. به زعم او پویایی اقتصادی و نقش و کارکرد شهرها متأثر از نوع و شکل سیاستگذاری است و اشکال مختلفی از شهرها، کلان‌شهرها و پایتخت‌ها را می‌آفریند. کمپبل^۴ (۲۰۱۱)، در کتابش *تغییرات نقش و هویت کلان شهرها (پایتخت‌ها)* در عرصه جهانی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. در این بررسی نقش عوامل اقتصادی، سیاسی، روابط و شبکه‌های ارتباط بین‌المللی جزو مهمترین عوامل مؤثر بر این تغییر نقش‌ها بیان شده است. می‌یر^۵ (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود، نقش عوامل و سیاست‌های مکانی و اقتصادی، نظریه‌های جهانی و جهان‌شهرها در دینامیک شهرها را بررسی کرده و معتقد است از طریق ایجاد ارتباط زمینه‌های مختلف نظری، رویکرد منطقه‌ای سیستم نوآوری، مفهوم سیاست مکانی و چشم‌انداز نظام سیاسی می‌توان یک چارچوب برای مطالعه و پویایی اقتصادی و سیاسی شهرهای بزرگ و به ویژه کلان‌شهرها پیشنهاد داد. اخلاقی فیض

1. Jakson
2. The urban future A choice between alternative
3. Zimmerman
4. campbel
5. Mayer

آثار (۱۳۷۰)، در پژوهشی با عنوان «نقش صنعت توریسم در تحولات اقتصادی شهر مشهد» تأثیرات صنعت توریسم را در تحولات اقتصادی شهر مشهد مورد بررسی قرار داده و از صنعت گردشگری به عنوان یکی فاکتورهای مهم ایجاد تغییرات و تحولات نقش و کارکرد کنونی شهر مشهد یاد کرده است. هادیانی و مومنی (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان «تعامل فضا، فرهنگ و قدرت در سازمان یابی فضایی شهر زاهدان»، با تکیه بر دیدگاه جغرافیای کارکردی، کارکردهای گوناگون شهر زاهدان را با توجه ویژگی‌های طبیعی و فرهنگی و اقتصادی آن مورد بررسی قرار داده و با تحلیل روندهای گذشته و موجود، آینده‌های محتمل پیش‌روی این شهر برای پذیرش نقش‌هایی چون گردشگری را ارائه داده است. قاسمی خوزانی (۱۳۸۷) در پژوهش خود «ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی - فرهنگی و مدیریت آن در کلان‌شهر مشهد» نحوه مدیریت عناصر تصمیم‌ساز و سیاستگذار در کلان-شهر مشهد را از دیدگاه کارکردگرایی تحلیل کرده است. منوچهری و رنجبر (۱۳۸۹) در پژوهش خود به منظور تحلیل نقش فضاهای جغرافیایی از منظر قدرت و اراده معطوف به قدرت و شکل‌گیری فضاها در نتیجه آن، نسبت فلسفه سیاسی و قدرت در اندیشه سیاسی لئو اشتراوش و میشل فوکو را بررسی کرده است. تا قبل از نیچه و تعریف متفاوت وی از قدرت، این مقوله با تمرکز و حاکمیت سیاسی پیوندی تنگاتنگ داشت، به گونه‌ای که فلسفه سیاسی تلاشی برای نیل به حقیقت، نسبتش با قدرت به صورت پاسخ به مسئله توجیه حاکمیت اقلیتی حکومتگر بر اکثریت تحت حکومت یا ایجاد سامان سیاسی نیک تعریف می‌شد، اما با نیچه و طرح مباحثی چون "اراده معطوف به قدرت" قدرت پراکنده و در همه جا حاضر تلقی شد. این نوشته بر نسبت بین فلسفه سیاسی و قدرت تأکید دارد. میلانی (۱۳۹۰) در رساله‌اش، نقش و کارکرد شهر را از دیدگاه قدرت و بر اساس اندیشه میشل فوکو در تحلیل مفهوم قدرت مورد بررسی قرار داده است. وثوق رضوی مشهدی (۱۳۹۴)، در پژوهش خود به بررسی نقش قدرت در توسعه فضایی شهر مشهد و بر پایه نظریات فلسفی مرتبط با مفاهیم "فضا" مانند میشل فوکو به تحلیل موضوع پرداخته است. در این تحقیق سعی شده روند توسعه کنونی شهر مشهد، بررسی و سناریوهای توسعه پایدار فضایی آینده مشهد را ترسیم نماید. بحیرایی، سرور، کارگر و فرجی راد (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود به تحلیل راهبردی تحولات

فضایی و کارکردی حریم جنوبی کلان‌شهر تهران پرداخته و عوامل مؤثر بر این تحولات، نقش و کارکرد فضایی را مورد بررسی قرار داده است. تغییرات ساختار اقتصادی، تغییرات ساختار جمعیتی تحت تأثیر عوامل زمینه‌ساز سیاسی، اقتصادی، از جمله مهمترین این عوامل بوده است. در پژوهش‌های فوق‌الذکر، نگاه کلان در تحلیل نقش و کارکرد کنونی شهر مدنظر قرار گرفته است. نوشتار حاضر و تحلیل مبتنی بر روش و رویکرد تبارشناسانه در تحلیل نقش شهر (نقش زیارتی-گردشگری) موضوع جدیدی است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده و در واقع تکمیل‌کننده مطالعات پیشین بوده و از زاویه‌ای نو به موضوع اندیشیده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. تبارشناسی به مثابه روش

به لحاظ ماهیت، این تحقیق عمدتاً کیفی است و بر اساس تبارشناسی فوکویبی به تحلیل موضوع پرداخته است. بنابراین، تحقیقی تحلیلی-کاربردی است و از روش‌های اسنادی و تحلیل محتوا، در این راستا بهره گرفته است. تبارشناسی فراتر از یک «روش»، نوعی «رهیاف» نسبت به پدیده مورد مطالعه است. تبارشناسی از حیث روش شناختی، یک جهت‌گیری نظری برای مشاهده پدیده است که آن را در چارچوب مفهومی تازه‌ای قرار می‌دهد. ویژگی منحصر به فرد چارچوب نظری-روشی تبارشناسی، تاریخی دیدن پدیده است؛ زیرا هر شناختی، ریشه در زندگی، جامعه و زبانی دارد که تاریخ را تشکیل می‌دهد (کچوییان و زائری، ۱۳۸۸، ص. ۲۶). روایی و پایایی، آن گونه که در روش‌های کمی پیمایشی مدنظر است، در روش تبارشناسی وجود ندارد. بنابراین، باتوجه به اهداف پژوهش و ویژگی‌های روش تبارشناسی، مطالعه در سه مرحله متوالی به شرح (شکل ۱) تدوین شده و تحلیل تبارشناسی-گردشگری-زیارتی شهر مشهد، از طریق بررسی پهنه‌های گفتمانی، گسست‌های تاریخی و تحلیل اثرات گفتمان‌های حاکم بر فضای شهری و روابط قدرت و دانش شکل‌دهنده نقش شهر انجام شده است.



شکل ۱- چارچوب نظری و مراحل اجرای پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

اطلاعات مورد نیاز پژوهش به کمک روش اسنادی جمع‌آوری شده است. به منظور تدوین چارچوب نظری پژوهش از منابع مختلف نظیر کتب، مقالات، اسناد و سایر منابع معتبر نوشتاری در زمینه موضوع استفاده شده و برای تحلیل گفتمان‌ها و اثرات آن بر تحولات و تغییرات نقش گردشگری - زیارت شهر مشهد، از اسناد و مطالعات شهری و گردشگری و زیارت و نیز نظرات صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه در این زمینه بهره گرفته شده است.

۴. مبانی نظری

۴.۱. مفهوم تبارشناسی، گفتمان و اجزای آن

تبارشناسی، تحلیلی تاریخی است که با رجوع به گذشته از آن پرده برمی‌گیرد و توهمات ایدئولوژی‌ها، اعمال و تمامی انواع نهادهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را بی‌اعتبار می‌کند (شرت، ۱۳۸۷، ص. ۲۴۶). هدف تبارشناسی ثبت یکتایی رویدادها و نشان دادن جنبه متمایز هر رویداد و خلاصی از شر تاریخ فرضی، علیه "حقایق جهان‌شمول و بی‌زمان" و "تداوم"

است (احمدی، ۱۳۷۴، ص. ۱۸۲). ره‌آورد بزرگ تحلیل تبارشناسی، ارائه تاریخی انتقادی است که گسست میان گذشته و حال را نمایان می‌کند. این گسست نیز با اتفاقی جلوه دادن حال (حال به مثابه یک رویداد) عرصه را برای نقد ایجاد می‌کند (عالم و یحیوی، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۰). از نظر فوکو، خود ایده‌ها واجد اهمیت نیستند، بلکه نقد اجتماعی آن‌ها مهم است. او تبارشناسی را تاریخی دیدن پدیده مورد مطالعه می‌داند؛ زیرا هر شناختی، ریشه در زندگی، جامعه و زبانی دارد که تاریخ را شکل می‌دهند (فوکو، ۱۳۸۷، ص. ۲۶). زبان، نه بازتابنده واقعیت، بل سازنده واقعیت، هستی و منشاء تکوین سوژه است (عبداللهی و جوان، ۱۳۸۹، ص. ۲۴۵). تبارشناسی دل مشغول مرکزیت قدرت و سلطه در شکل‌گیری گفتمان‌ها، هویت‌ها و نهادهاست و می‌کوشد خصلت قدرت محور گفتمان‌های حاکم را بسط دهد (عضدانلو، ۱۳۸۵، صص. ۱۸۷-۱۸۵). به نظر فوکو دانش عمیقاً با روابط قدرت در آمیخته و همپای پیشرفت در اعمال قدرت پیش می‌رود. به عبارت دیگر، هر جا قدرت اعمال شود دانش نیز تولید می‌شود. فهم این مسئله که فضا و مکان چگونه در کارکرد قدرت نقش اساسی ایفا می‌کنند از یک سو و تدوین نقش فضا و مکان در پژوهش‌های تاریخی‌ای که بر کاربست قدرت تقریر می‌یابند، تلاش‌های فوکو را نه صرفاً به مثابه همی بر تاریخ اکنون، بلکه همچون نگاشت [یا نقشه برداری] اکنون مورد مدافه مجدد قرار می‌دهد. فوکو دانش را ایجاد کننده قدرت می‌داند. فوکو قدرت را «نیروی محرک» تاریخ به شمار می‌آورد. شاید "تحولات" نوعی نقطه‌ای اوج به شمار می‌آیند، اما در واقع صرفاً جنبه‌ای از انقیاد^۱ هستند (هوبرت^۲، کیتچین^۳ و ولتاین^۴، ۲۰۰۴، ص. ۱۲۲). بنابراین، تحولات و گذار شهرها از حالتی به حالت دیگر و تغییر در نقش و کارکرد آن در درون گفتمان‌ها را می‌توان بر اساس نظریه فوکو تحلیل و بررسی کرد. در رویکرد فوکویی گریزی از قدرت نیست و هر نوع عمل گفتمانی در حوزه دانش عملاً به کارکردهای قدرت ارتباط می‌یابد.

۱. رام و مطیع شدن

2. Hubbard
3. kitchin
4. valentine

گفتمان از جمله مفاهیم مهم و کلیدی است که در شکل دادن به تفکر فلسفی، اجتماعی و سیاسی مغرب‌زمین در نیمه دوم قرن بیستم، نقش به‌سزایی داشته است. فوکو گفتمان را برای اشاره به روال‌های منظم و قانون‌مندی به کار می‌برد که تبیین‌کننده مجموعه‌ای از گزاره‌ها هستند؛ یعنی قانون‌ها و ساختارهای نانوشته‌ای که کلام‌ها و گزاره‌های خاصی پدید می‌آورند (میلز، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۸). در تعریف و معنای گفتمان دو مفهوم اساسی وجود دارد: یکی، مفهوم طرد^۲ و دیگری مفهوم حکم^۳. نقطه عطف مباحث فوکو در باب روابط دانش و قدرت، در همین مفهوم طرد نهفته است که روال‌های حاکم و برتری دادن گفتمان غالب از طریق پیوند خوردن آن‌ها با روابط قدرت و ترجیح آن گفتمان صورت می‌پذیرد. مفهوم طرد به این معناست که گفتمان را صرفاً نباید مجموعه‌ای از گزاره‌های منسجم تلقی کرد، بلکه باید وجود آن را وابسته به مجموعه‌ای از دو نوع روال دانست. یکی روال‌هایی که می‌کوشند آن گزاره‌ها را رواج دهند و دیگری روال‌هایی که می‌کوشند تا میان آن گزاره‌ها و گزاره‌های دیگر مرزی بنا کنند و از رواج یافتن گزاره‌های دیگر ممانعت به عمل آورند. از دید فوکو یک گزاره زمانی به حکم تبدیل می‌شود که در کنار احکام دیگر، در یک صورتبندی گفتمانی معنا یافته باشد و معیارهای صدق و کذب خود را با خود داشته باشد. تکرارپذیر و دامنه گسترش آن در سطح جامعه بالا باشد. تأیید یا انکار آن دارای پیامدهای اجتماعی جدی باشد. مجموعه چند حکم، صورتبندی گفتمانی (اپیستمه^۴) را شکل می‌دهند. آرایش‌های گفتمانی^۵ و روابط گفتمان‌های موجود در یک جامعه همان اپیستمه است (قادری، ۱۳۸۰، ص. ۵۶).

۲.۴. مفهوم نقش شهر و روش‌های تعیین نقش شهرها

شهر و نقش شهر را می‌توان از زاویه دید نظریات گوناگون فلسفی نگرین و روش‌های گوناگونی برای شناخت و تحلیل نقش شهر به کار برد. اصولاً نقش و کارکرد شهری متأثر از فضای ناحیه‌ای است که شهر در آن تکوین و توسعه یافته است. این فضا محدود به فضای طبیعی نیست، بلکه فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر ناحیه را نیز در بر می‌گیرد؛

1. Mills
2. exclusion
3. Statement
4. Episteme
5. discursive formation

چرا که ترکیب داده‌های مورد بحث است که نقش و کارکردهای خاص را به شهر القاء می‌کند. در ادبیات برنامه‌ریزی شهری، نقش‌های مختلفی برای شهرها تعریف و به تبع آن روش‌های اجرایی متعددی نیز برای تعیین نقش شهرها ارائه شده که عمدتاً زیرساخت آماری دارند. جغرافی دانانی چون ماکس سور^۱ (۱۹۵۲)، ماکس درئو^۲ (۱۹۶۱)، بوژوگاریه^۳ (۱۹۸۰) و پیررز^۴ و چانسی هاریس^۵ (۱۹۴۳)، هر یک روش خاص خود را برای تعیین نقش شهر ارائه داده‌اند، اما اکثراً بر نقش‌های مشترک تأکید کرده‌اند. به عقیده ماکس درئو، طبقه‌بندی شهرها و کارکرد آن‌ها، بر اثر تکاملی که در طول زمان می‌بینند امری تصنعی است؛ چرا که سرمایه‌گذاری‌هایی که در جهات معینی انجام بگیرد، وظایف شهر را تکمیل و یا دگرگون می‌سازد و شهر در تکامل کارکرد خود مراحل را تعقیب می‌کند (برزگران، ۱۳۷۶، ص. ۳۴). هاریس با تعیین آستانه‌ای برای هر یک از شاخه‌های کار و فعالیت شهری، توانسته نقش غالب هر شهر را مشخص کند. ویلیام اولسن سوئدی، اعداد معینی را برای تعیین نقش شهرها بر می‌گزیند. ویلیام اولسن^۶ روش خود را روی شهرهای آمریکا پیاده می‌کند و عقیده دارد جذب حداقل ۱۵ درصد از جمعیت فعال شهری در معادن به شهر نقش معدنی و ۴۰ درصد در صنایع نقش صنعتی و ۳۷ درصد در خدمات به شهر نقش خدماتی می‌دهد. گرچه نقش‌های مختلفی برای شهرها مشخص شده و به تبع آن روش‌های اجرایی متعددی نیز از سوی اندیشمندان برای تعیین نقش شهرها ارائه شده، اما تمام این روش‌ها، به دلیل نوع داده‌های آماری موجود در ایران، قابل استفاده نمی‌باشد. با توجه به محدودیت‌های آماری، در مطالعات داخلی برای تعیین نقش شهرها عمدتاً از روش ژاکلین بوژوگاریه و ژرژ شابو^۷ استفاده شده است. در این روش مشاغل شهری در سه گروه تعریف می‌شوند که دسته اول، بخش کشاورزی، جنگل‌بانی، صیدماهی و استخراج معادن، گروه دوم، صنایع و ساختمان و گروه سوم، کلیه مشاغلی را که نمی‌توانند در گروه اول و دوم بیابند، شامل می‌شود. یکی از محاسن

1. Sur
2. Drew
3. Garnier
4. Georges
5. Harris
6. Olson
7. shabo

این روش، نمایش تحولات زمانی نقش شهر و آگاهی از گرایش شهر به سوی نقشی نو است. یکی دیگر از مزایای آن مقایسه مناطق از نظر سطح توسعه‌یافتگی است. با گذر از موارد فوق، در مجموع نقش‌های اصلی و مشترکی که در روش‌های مورد استفاده نظریه‌پردازان فوق تعریف شده است را می‌توان در چند نقش اصلی؛ شامل نقش صنعتی، نقش بازرگانی، نقش بازاری، نقش نظامی، نقش فرهنگی، نقش توریستی - تفریحی، نقش خوابگاهی و نقش معدنی دسته بندی کرد که تبیین و تحلیل هر کدام از این نقش‌ها می‌تواند در داخل روابط قدرت و دانش مورد ارزیابی قرار گیرد. در دسته‌بندی فوق الذکر، در واقع کارکرد حاصل از پذیرش یک نقش، در شهرها مورد تاکید قرار گرفته است. آنچه که موجب تمایز و نشان‌دهنده هویت یک شهر است و تصویر ذهنی ساکنان و بازدیدکنندگان از یک شهر را می‌سازد (برزگران، ۱۳۷۶، صص. ۳۶-۳۴). به عقیده نگارنده برای تعیین و تحلیل چگونگی شکل‌گیری و تحولات نقش شهر، باید به عوامل و گفتمان‌های پدیده آورنده این پدیده جغرافیایی (شهر) نیز توجه کرد و علاوه بر عوامل و شاخص‌های اقتصادی که در بیشتر روش‌های فوق مبنای دسته‌بندی و تعیین نقش شهرهاست، باید به عوامل سیاسی، اجتماعی وایدئولوژیک و قدرت ناشی از آن‌ها در محیط اجتماعی نیز توجه کرد. همچنان‌که فوکو، تغییر گفتمان‌ها از یک دوره به دوره دیگر را تنها متکی به منطق خودبنیاد گفتمان نمی‌داند، بلکه بر نقش امور غیرگفتمانی در این تحول و تبدل تأکید می‌کند. به زعم او «قدرت» اصلی‌ترین امر غیرگفتمانی است که بر گفتمان‌ها و تحولات شان تأثیر می‌گذارد (کچوئیان و زائری، ۱۳۸۸، ص. ۱۵).

۴.۳. نقش گردشگری و زیارتی شهر

نقش شهرها براساس فعالیت اقتصادی غالب آن‌ها تعیین می‌شود. در شهرهای گردشگری بخش خدمات اقتصادی قوی‌تر است و تولید و اشتغال بیشتری را نسبت به سایر بخش‌ها ایجاد می‌کند. شهرهای دارای نقش گردشگری می‌توانند دارای کارکردهای تفریحی - توریستی، تاریخی، فرهنگی - مذهبی، پذیرایی، خرید و ... باشند. یکی از انواع شهرهای گردشگری، شهر زیارتی است. شهر زیارتی محصولی متفاوت و مجموعه‌ای بی‌نظیر از کارکردهای مذهبی، فرهنگی و تاریخی است. مدیریت گردشگری مذهبی و زیارت در شهرهای زیارتی ابعاد گوناگونی دارد و علاوه بر جنبه‌های ارتقای فرهنگی، اجتماعی و معنوی

زائران و مجاوران، تأمین نیازهای زیرساختی، زیربنایی، اقتصادی و زیست‌محیطی آن‌ها را نیز در بر می‌گیرد (پارک علم و فناوری خراسان، ۱۳۹۰، ص. ۱۵). پذیرش نقش گردشگری در شهرها و سیر تحولات آن، ارتباط و پیوند مستقیمی با تحولات و تبارشناسی گردشگری دارد. گردشگری در دوران سنتی رنگ و بوی افسانه داشت و جغرافیای اسطوره‌ای را رقم زد (کراچکوفسکی^۱، ۱۳۷۹، ص. ۷). کنش‌های گردشگری شکل گرفته در دوران مدرن، وابستگی کاملی به سرمایه داری [و گفتمان‌های قدرت/دانش] دارد و اثرات خود را بر ساخت و بافت محیط‌های جغرافیایی (شهرها) برجای گذاشته است. عملاً گردشگری نوعی دیالکتیک در امر سرمایه‌داری مرکز-پیرامون است و اثرات ساختاری-کارکردی و رفتاری ویژه‌ای دارد (سقایی، ۱۳۸۲، ص. ۳۲). آنچه اهمیت دارد این است که در دوران پسامدرن اوقات فراغت و گردشگری به عنوان حق محسوب می‌شود. گردشگری پسامدرن فرایندی از مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و محیطی است که سبک زندگی را متحول کرده و به تبع آن مکان‌های گردشگری و از جمله شهرهای گردشگری دچار این تغییر و تحول در ساخت و نقش و کارکرد خود شدند. حس نوستالژی و توجه به میراث فرهنگی در این دوران اهمیت یافت و پسامدرنیته به توسعه بازار و قدرت در یک سلسله‌مراتب و شکل‌گیری یا برجسته‌سازی نشانه‌های گردشگری انجامید. هم‌چنانکه در شهرهای بزرگ ایران چون مشهد نیز، روند شناسایی و ثبت آثار و اماکن با ارزش تاریخی و میراثی به عنوان "نشانه‌های خاص شهر و یا جاذبه‌ای برای گردشگری سرعت یافت و در راستای تقویت نقش گردشگری آن و جذب و ماندگاری بیشتر گردشگران، در برنامه‌ریزی‌های شهری و گردشگری به آن توجه می‌شود. بنابراین، تبارشناسی گردشگری فضاهای جغرافیایی نشانگر اینست که گردشگری نتیجه مدرنیته است و به همین نسبت در دوران ورود مدرنیسم به شهرها و تغییر و تحولات شهری ناشی از این نگرش، شهرها نیز نقش و کارکرد گردشگری را پذیرفتند و زیرساخت‌های مرتبط با توسعه گردشگری در آن‌ها تقویت شد و گردشگری پسامدرن نیز نیاز به تفکر جغرافیایی را در آرایش فضای گردشگری مطرح کرد (سقایی، ۱۳۸۲، صص. ۴۵-۴۳). تراکم زیاد فیزیکی ساختار، مردم و نقش‌ها و گوناگونی فرهنگی-اجتماعی، چند نقش‌گرایی اقتصادی و مرکزیت

1. Krachovsky

عینی در شبکه داخل شهری و منطقه‌ای، از آثار شهرهای گردشگری است (مافی و سقایی، ۱۳۸۸، ص. ۴) که رابطه بین عناصر و بازیگران قدرت در تعیین و تقویت نقش گردشگری در شهرها را به نمایش می‌گذارد.

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. قلمرو جغرافیایی پژوهش

قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر شهر مشهد و فضای شهری مشهد است. شهر مشهد در شمال شرقی ایران، عرض ۳۶ درجه و ۱۶ دقیقه شمالی و طول ۵۹ درجه و ۳۸ دقیقه شرقی، در فاصله هزار کیلومتری تهران، در دشت مشهد و در حد فاصل رشته‌کوه‌های کپه داغ در شمال و بینالود در جنوب، در حوزه رودخانه کشف‌رود قرار دارد. مشهد با مساحت ۳۵۱۴۷ هکتار وسعت، بزرگترین مرکز شهری در منطقه شرق ایران و از لحاظ جمعیت و مساحت دومین شهر پس از شهر تهران است. مشهد با جمعیتی در حدود ۳۰۵۷۲۵۸ نفر (۱۳۹۵) تنها کلان‌شهر شمال شرقی ایران و مرکز استان خراسان رضوی است. بیشینه ارتفاع شهر مشهد ۱۱۵۰ متر و کمینه آن ۹۵۰ متر است. دارای آب و هوای متغیر، اما معتدل و متمایل به سرد و خشک است و از تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های سرد و مرطوب برخوردار است. بیشینه درجه حرارت در تابستان‌ها ۴۳ درجه بالای صفر و کمینه آن در زمستان‌ها ۲۳ درجه زیر صفر است (شهرداری مشهد، ۱۳۹۵، ص. ۴۶). مشهد دارای ۱۳ منطقه شهرداری است. به دلیل وجود مرقد مطهر امام رضا (ع) یکی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های شیعیان بوده و سالانه پذیرای بیش از ۲۶ میلیون زائر^۱ و گردشگر از سراسر ایران و سایر کشورها است (شهرداری مشهد، ۱۳۹۵، ص. ۴۶).

۵.۲. صورتبندی گفتمان‌های تبیین‌کننده نقش زیارتی- گردشگری شهر مشهد

تبارشناسی نقش گردشگری- زیارت شهر مشهد بر مبنای شناسایی نقاط گسست، گفتمان‌ها و تحلیل اثرات گفتمان‌ها در دوران‌های مختلف تاریخی صورت گرفته است. تبارشناسی نقش

۱. این رقم مربوط به تعداد ورود گردشگران داخلی و خارجی و مسافرانی است که از مبادی ورودی شهر مشهد به این شهر وارد شده‌اند.

گردشگری- زیارتی شهر مشهد، تنها یک رهیافت با چارچوب‌های محدود است و در این مجال بیانگر تاریخ به هم پیوسته حوزه نظری و کارکردی گردشگری شهر مشهد است. تبارشناسی این نقش شهری، با شناخت گسست‌ها و صورتبندی گفتمان‌های گوناگون آن تحت تاثیر عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، به عنوان عناصر قدرت/دانش شکل‌دهنده به گفتمان-ها، در صدد تبیین این موضوع است.

۵. ۲. ۱. کلان‌گفتمان دوران پیشامدرن

پیدایش شهر مشهد و تحولات اقتصادی-اجتماعی و کالبدی- فضایی آن تحت تأثیر دو خاستگاه اصلی؛ طبیعی (دره کشف رود و جلگه بینالود) و تاریخی (توس قدیم و مشهدالرضا) قرار داشته است. مهم‌ترین تحولات تاریخی شهر مشهد، بعد از اسلام را می‌توان در سه مقطع زمانی مورد واکاوی و بررسی قرار داد. این سه مقطع عبارتند از: سده‌های نخست اسلامی، استقرار دولت صفویه و آغاز قرن بیستم (پارک علم و فناوری خراسان، ۱۳۹۰، ص. ۱۴). این سه مقطع زمانی در واقع نقاط گسست گفتمان‌های حاکم بر تحولات تاریخی و توسعه‌ای شهر مشهد در دوران پیشامدرن و مدرن است که هر یک به نسبت ویژگی‌های تاریخی خود و به واسطه نیروهای وارد شده بر شهر، تأثیرات فضایی، کالبدی و اجتماعی و اقتصادی خود را بر این شهر و نقش و کارکرد آن در طول زمان برجای گذاشته است.

گسست نخست: پیدایش مشهدالرضا(ع)

از مهمترین تحولات تاریخی، سیاسی و مذهبی که در سده‌های نخست بعد از اسلام در شهرهای ایران و خراسان رخ داد، به حکومت رسیدن خلفای سنی مذهب بنی امیه در ایران، گرایش مردم ایران به مذهب تشیع با سفر امام رضا(ع) به شهر توس، شهادت ایشان و تبدیل مشهد به یکی از کانون‌های مورد توجه مسلمانان است. پس از این جریان، زیارت به یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی این سرزمین تبدیل شد که نقش مؤثری در تحولات شهر مشهد داشته است و مفهوم "زیارت" به عنوان بخشی از هویت اجتماعی و فضایی شهر مشهد، جریان تصمیم‌سازی‌ها و سیاستگذاری‌های شهری- منطقه‌ای آن را در طول زمان تحت تأثیر قرار داد. پیش از اسلام و در دوره ساسانیان در دهکده سرسبز سناباد از توابع توس، بنایی مجللی ساخته شد که محل استقرار مرزبانان توس بود. پس از فتح خراسان

به دست مسلمانان، در اختیار والیان خراسان قرار داشت و پس از شهادت امام رضا(ع) در سال ۲۰۳ ه.ق و دفن ایشان در این مکان، پیروان ایشان برای زیارت و بعدها برای سکونت به این منطقه مهاجرت کردند. پیدایش شهر مشهد و توسعه کالبدی آن مرهون وجود مرقد امام رضا(ع) در این مکان است. در سال ۷۹۱ ه.ق مهاجرت گسترده مردم توس به روستای سناباد آغاز شد که خود می‌تواند مبدأ تاریخ بنای شهر مشهد باشد (فرهاد، مطالعات پایه زیارت، ۱۳۹۳، ص. ۱۵).

دومین گسست: استقرار حکومت صفوی و تسلط گفتمان مذهبی

در دوران حکومت صفویان، مذهب شیعه به‌عنوان مذهب رسمی کشور اعلام شد و به تبع آن جمعیت شیعه در ایران رو به فزونی نهاد و مشهد به یکی از مراکز مهم دینی، سیاسی و فرهنگی کشور تبدیل شد و به‌عنوان یکی از پایگاه‌های مهم صفویان در طی جنگ‌های طولانی مدت صفوی با حکومت‌های سنی مذهب ازبکان در شرق و عثمانی در غرب، ایفای نقش کرد. بنابراین، در این دوران تقویت نقش و کارکرد زیارتی و مذهبی مشهد تحت تأثیر ایدئولوژی دینی مذهبی تقویت شد. در دوران صفوی مذهب تشیع رسمیت یافت و آیین‌های ویژه زیارت تدوین شد. همزمان با تغییرات و تحولات کالبدی- فضایی شهر مشهد، تغییرات ساختاری از لحاظ معماری، طراحی نیز در ساختار حرم آغاز شد که ماحصل آن ساخت گنبدها، صحن و رواق‌های متعدد بود. تولیت آستان قدس از آغاز دوران صفوی و رسمی شدن مذهب تشیع در ایران اهمیت یافت و توسط پادشاه وقت تعیین شد. تا قبل از دوره صفویه اداره امور حرم به عهده سادات موسوی و رضوی بود. با شکل‌گیری آستان قدس رضوی که وظیفه خدمات‌رسانی به زائران بارگاه رضوی را به عهده داشته به تدریج به یک سازمان بزرگ مذهبی، فرهنگی و اقتصادی در مقیاس ملی و فراملی تبدیل شد، بطوری‌که در حال حاضر یکی از مهم‌ترین نهادهای تأثیرگذار بر سیاستگذاری‌های کلان کشور و بازیگران قدرت در سطح ملی و فراملی است. این نهاد سردمدار مدیریت زمین در شهر مشهد به وسیله "وقف" است. وقف یکی از سنت‌های مهم اقتصادی و اجتماعی در ایران بعد از ورود اسلام بوده است. نسبت نزدیک بین گرایش به وقف و باورها و مناسک مذهبی موجب آن شده است که به گونه‌ای طبیعی و قابل درک، میزان وقف در مناطق، شهرها و اماکن

مذهبی بیشتر باشد. این قاعده شامل شهر مشهد نیز می‌شود. موقوفات شهر مشهد سابقه‌ای بس دیرینه دارد و بویژه در عصر صفوی به اوج خود می‌رسد و در دوره‌های بعد، از جمله در دوره پهلوی-علیرغم برخی فراز و فرودها - نیز استمرار می‌یابد. ۵۸ وقف‌نامه از دوره صفویه به جا مانده است (اداره کل اوقاف و امور خیریه مشهد، ۱۳۹۶) که نشان‌دهنده اهمیت وقف در مدیریت زمین در شهر مشهد می‌باشد (نیک مهر و وکیلی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۰).

فرایند توسعه شهر مشهد و حرم مطهر به عنوان مهمترین عنصر کالبدی زیارت، تحت تأثیر عامل مذهبی در دوران تسلط گفتمان پیشامدرن را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- وفات امام رضا(ع) در سال ۲۰۳ ه.ق و دفن ایشان در باغ سناباد توس و ایجاد بقعه‌ای کوچک.
- ایجاد حصاری برگرد بقعه در زمان سلطان سنجر سلجوقی و پیدایش قریه مشهد-الرضا.
- تبدیل قریه به شهر مشهد و رونق آن به جای توس در قرن هشتم هجری.
- توسعه حرم در زمان شاهرخ تیموری (مسجد گوهرشاد، رواق‌ها و مدرسه).
- تکمیل اماکن پیرامون حرم در زمان سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی.
- ایجاد بالا خیابان و پایین خیابان در زمان شاه عباس صفوی و تکمیل بناهای حرم.
- ساخت مناره‌های جدید و طلا کاری ایوان اصلی حرم و ایجاد سقاخانه در زمان نادرشاه(فرهاد، مطالعات پایه زیارت، ۱۳۹۳، ص. ۱۶).

۲.۲.۵. کلان گفتمان دوران مدرن

گسست نخست: جنبش مشروطیت

آشنایی ایرانیان، با «مدرنیسم» به دوران قاجار و آغاز گفتمان دوران مدرن در ایران و تلاش برای تحول و دگرگونی در سامان و شقوق مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی، جامعه ایرانی باز می‌گردد. با الهام از موضع گسست انگار فوکو، آغاز جنبش مشروطه را باید در دورانی جست و جو کرد که گسستی در صورت بندی روابط قدرت رخ داده باشد و با تکیه بر موضع روایی وی روایت این جنبش را می‌توان از همان برهه آغاز کرد. طرح کلی روایت معمول و مرسوم از جنبش مشروطه و شکست ایران در جنگ‌های ایران و روسیه آغاز می‌شود، با

اصلاحات عباس میرزا در نظام سلطنت و سپس عصر میرزاتقی خانی و عصر سپهسالار و جنبش تنباکو ادامه یافت و با جنبش مشروطه پایان می‌پذیرد. چنین روایتی مدعی است تا پیش از قرن نوزدهم مواجهه و آشنایی می‌یابد (صدیقی، ۱۳۹۰، ص. ۸). تحلیل تحولات شهری ایران در دوران مشروطیت از منظر تبارشناسی، فضای تحلیلی متفاوتی است. بروز و ظهور نیروهای اجتماعی نو در فضای اجتماعی و تغییر در اقتصاد قدرت است که برشی در تاریخ به شمار می‌آید. از این زمان است که تضاد روشنفکران در وهله نخست با دستگاه سلطنت آشکار شد و متناسب با میزان تعارضشان با دستگاه سلطنت، نسب شان با دیگر نیروهای اجتماعی (روحانیان و تجار) نیز تعیین شد. بنابراین، در این دوران، منطق تاریخ در ایران دگرگون می‌شود. گروهی موسوم به روشنفکران، با تکیه بر شعار "ملت" و "حکومت ملت بر ملت". در صحنه سیاسی اجتماعی ایران ظاهر می‌شوند (صدیقی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱). باز نمود جنبش مشروطیت در شهرهای بزرگ ایران همچون مشهد، تغییر و تحول اجتماعی و افزایش مطالبه‌گری در شهرها و هدایت آن توسط روشنفکران دینی و سیاسی - اجتماعی آن دوران بود. مردم خراسان و به ویژه مشهد، نقش مؤثری در پیروزی این جنبش داشتند. به دلیل فشارهای ناشی از سرکوب قیام‌هایی که روی داده بود، نهادهای مربوط به نظام مشروطه، دیرتر از سایر نقاط کشور در مشهد شکل گرفت، اما اخبار مبارزات و قیام‌های گسترده مردم، توسط زائران بارگاه امام رضا(ع)، به سایر نقاط کشور منتقل می‌شد و در تهییج افکار عمومی، برای مبارزه با استبداد و رسیدن به عدالت و برابری نقش مؤثری داشت (احمدی و خوشبین، ۱۳۹۳، صص. ۱۶-۱۲). نکته اساسی در این مقطع، حضور روحانیت در کنار سایر روشنفکران مبارز، به منظور انتقال و توزیع قدرت حاکمیت به سطح جامعه بود. بررسی تحولات کالبدی شهر مشهد در دوران مشروطیت حاکی از تسلط نقش زیارتی شهر در فرایند توسعه شهری است. تا سال ۱۲۵۳ مشهد دارای ساختاری سنتی بوده، گسترش آن بطور تدریجی پیرامون حرم صورت گرفته بود. نخستین عنصر غیرسنتی ساختار شهر در دوره شاه عباس صفوی به شکل خیابانی عریض در امتداد نهر چشمه گیلان که از طراحی چهار باغ اصفهان الهام گرفته بود ایجاد شد که مهم‌ترین محور ارتباطی در بافت سنتی بوده است (مهرزاد، ۱۳۷۰، صص. ۱۲-۱۳). ایجاد صحن‌های جدید در حرم امام رضا(ع) و تکمیل

بناهای شهری و مذهبی در دوره قاجار از جمله شاخصه‌های این برهه از تاریخ شهری مشهد می‌باشد. پس از تأسیس اداره اوقاف و صنایع مستظرفه در دوران مشروطه، این نهاد تحولات و دگرگونی‌هایی را در طول دوران قاجار به خود دید که اثرات آن در افزایش تعداد موقوفات در شهرها نمود یافته است (نیک مهر و وکیلی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲). از دوره قاجاریه، متولی آستان قدس، جایگاه سیاسی و اداری نیز پیدا کرد، تقویت اقتصادی و اهمیت اجتماعی بسیاری از تحولات معاصر در گسترش مشهد در آن دوره، حاصل کمک های وقفی است که به آستان قدس صورت گرفته و اسنادش باقی است (اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۵).

دومین گسست: آغاز حکومت پهلوی و تسلط گفتمان ملی‌گرایی

آغاز حکومت پهلوی نقطه عطفی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. سلسله پهلوی و روی کار آمدن رضا شاه از همان روزهای نخست در امتداد استقرار نظام جهانی و استعمار انگلستان (رمضانی، ۱۳۸۶، ص. ۵۷) و ملی‌گرایی افراطی با هدف [مدرنیزه کردن کشور] شکل گرفت (صدیقی، ۱۳۷۲، صص. ۷۸-۷۹). او با کوشش‌های فراوان در امور نظامی و اعزام محصل به خارج و برنامه‌های تجددطلبانه و حذف مذهب، غرب‌زدگی، گرایش به شیوه‌های غربی و.. باعث پیشرفت و ترقی کشور شد. این دوره به دلیل استقرار و تثبیت دولت پهلوی و اجرای سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی و بروز تحولات اهمیت خاصی در تاریخ ایران دارد. سیاست‌های فرهنگی رضا شاه حول محور ناسیونالیسم، باستان‌گرایی، تجددگرایی و مذهب-زدایی می‌گشت (صدیق، ۱۳۳۸، ص. ۴۵). دولت‌مردان رژیم سلطنتی از راه رواج سکولاریسم و تغییر نمادهای دینی و سنت‌های ملی پیکار خود را بر سر مذهب آغاز کردند (هاشمی، ص. ۶۷). جنبش تجددخواهی اقتدارگرا برای نوپردازی نیازمند طرح بود و قانون، منبع مالی و مجری. دیوان‌سالاری پهلوی در شهرسازی برای پاسخ‌گویی به این نیازها، دستور زبان جدید بر اصول جدیدی چون خیابان‌های طبیعی، الگوی قرن نوزدهم اروپا، توسعه شطرنجی، منطقه-بندی و فرسوده‌نگاری بافت کهن را بنیاد نهاد (وحدت زاده، ۱۳۸۶، ص. ۲). در دوران پهلوی اول، عناصر تشکیل‌دهنده سیمای شهری تغییر ماهیت و نقش داد و به‌عنوان یک جزء در سیستم شهری، نقش‌های غالباً متفاوتی را بازی کرد. فضای شهری در این دوران، نسبت به

دوره‌های پیشین به سمت و سوی فردگرایی و انفکاک فضا‌های شهری و گرایش به فضا‌های خصوصی در شهر، به پیش رفته و ملی‌گرایی جایگزین انگاره‌ها و گرایش‌های مذهبی، در سبک زندگی شهرنشینان و تمایلات آن‌ها در فرایند توسعه شهرها و نقش و کارکرد آن‌ها شد (وحدت زاده، ۱۳۸۶، ص. ۳). نوگرایی خمیرمایه اصلی این دیگرش بود و شهر مکان تبلور کالبدی نووارگی و نوگرایی، نوسازی و تجددطلبی شد (ایزد پناه، ۱۳۸۵، ص. ۱۲).

جایگاه "وقف" در این دوران تضعیف شد و عوامل قدرت (ساختار سیاسی حکومت و قوانین) در جهت انتقال قدرت زمین‌داری به حکومت تلاش کرد. رضا شاه در راستای محدود کردن جایگاه مذهب و روحانیت در جامعه، در اوقاف دخالت کرد. چون یکی از منابع قدرت مالی و استقلال علما از این طریق بود، رضا شاه برای محروم کردن علما از این استقلال مالی و قطع درآمد و در نتیجه کاستن از قدرت آن‌ها، برنامه‌ها و قوانینی ارائه کرد تا دخالت و کنترل حکومت را در فرایند اداری وقف بیشتر کند. تصویب قانون موقوفات در سال ۱۳۱۳ برای اداره امور وقف توسط دولت، قدرت تصمیم‌گیری وسیعی را به دولت تفویض می‌کرد. این سیاست‌ها بر روند تبدیل اراضی خصوصی به وقفی اثر قابل ملاحظه‌ای داشته است.

در اثر اجرای قانون اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم بسیاری از زمین‌های کشاورزی مشمول قانون اصلاحات ارضی شدند. کشاورزان و زمین‌داران خراسانی برای فرار از دست این قانون و برای اینکه زمین‌های آنان از دستشان خارج نشود، زمین‌های خود را وقف کردند. در طی مراحل اصلاحات ارضی هر چند زمین‌های وقفی در ابتدا مشمول قانون اصلاحات ارضی نشد، ولی این قوانین در مراحل بعدی زمین‌های وقفی را نیز دربر گرفت. تحولات اقتصادی و اجتماعی دهه ۴۰ و ۵۰ و دگرگونی‌های ایجاد شده در نیروهای اقتصادی و اجتماعی ایران باعث نزدیکی بازار و روحانیت شد. در این زمان سیاست‌های اقتصادی حکومت به عرصه بازار و تجارت نیز کشیده شد. بازار سنتی که دیگر خود را از گود خارج می‌دید، با روحانیت همگرایی عمیقتری پیدا کرد. ساکنان و شاغلان بازار مشهد از یک سو به خاطر فضای مذهبی بافت شهر و نزدیکی به حرم مطهر و از سوی دیگر پیوستگی دیرینه بازار و روحانیت، بیشترین حضور را در فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی

بخصوص در زمینه وقف مغازه و دکان انجام دادند. طبق اسناد اداره اوقاف و دفتر موقوفات آستان قدس، در مجموع در دوره پهلوی در مشهد ۲۶۸ مورد وقف صورت گرفته است. در دوره پهلوی بیش از ۵۰ درصد رقبه‌های وقفی، موقوفاتی از نوع باغ و زمین و مابقی در زمینه مسکن زائر، تجاری، درمانی و پزشکی و امور اجتماعی بوده است (نیک‌مهر و وکیلی، ۱۳۹۲، صص. ۱۱۴-۱۱۲).

گفتمان مسلط در این دوران باعث تغییراتی در بافت قدیمی مشهد شد. ساختار شهر و جهت توسعه به سمت غرب و جنوب غرب امتداد یافت. سه عنصر شاخص شهری، هدایت و توسعه شهر را بر عهده داشته است این عناصر عبارتند از: خیابان، فلکه و ساختمان‌های دولتی و خدماتی که در موقعیت‌های بسیار مناسبی در شهر قرار گرفته‌اند. رشد و گسترش فیزیکی شهر مشهد با کشیده شدن خیابان‌های جدید بر روی بافت قدیم آغاز شد (رهنما، ۱۳۷۰، ص. ۳۸).

در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۲۵، توسعه فیزیکی شهر مشهد همچون دوره قبل در جهت غرب و جنوب غرب ادامه یافت، ولی خطوط اصلی توسعه همان چارچوب و استخوان‌بندی شکل گرفته در ۲۵ سال اولیه این قرن بود. همچنین، توسعه در بخش‌هایی از شمال آن به شکل حاشیه‌ای و غیرمنظم در مجاورت شهر به وقوع پیوست. در این زمان راه آهن و فرودگاه حدود شرقی و جنوب شرقی شهر را تا حدی تثبیت کرده بودند (آجودانی، ۱۳۸۵، ص. ۹۱). از دهه ۴۰ به بعد تحولاتی که در کل کشور اتفاق افتاد؛ از جمله با اجرای اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱، گران شدن نفت در ۱۳۵۲ و تزریق درآمد نفت به اقتصاد کشور و صرف آن در شهرها در قالب توسعه فعالیت‌های صنعتی، تأسیسات اداری و... که منجر به ایجاد زمینه اشتغال و هجوم مهاجران روستایی و گسستگی روابط شهر و روستا شد. در این مقطع زمانی، نقش شهر مشهد از زیارتی و گردشگری به اداری و سیاسی ارتقا یافته و عامل مذهبی از اهمیت کمتری در هدایت توسعه شهر برخوردار بوده است. در پیوند قدرت و دانش و شکل‌گیری نظام بروکراتیک پهلوی، تحولات دهه ۴۰ و مشکلات ناشی از رشد جمعیت، بی توجهی به نحوه استفاده از اراضی، توسعه نامنظم شهر و... باعث شد که تهیه طرح جامع شهر در سال ۱۳۴۶ به مهندسین مشاور خازنی ابلاغ شود. این طرح برای یک دوره ۲۵ ساله (۱۳۷۰-۱۳۴۶)

۱۳۴۵) تنظیم و در سال ۱۳۵۰ به شورای عالی شهرسازی تسلیم و پس از تصویب مراحل اجرایی آن در سال ۱۳۵۲ به شهرداری ابلاغ شد.

محور اصلی توسعه که در این سال احداث شد، جاده سنتو بود که محدوده جنوبی و غربی شهر را تا سال ۱۳۵۵ تعیین می‌کرد. ایجاد دانشگاه فردوسی و پارک ملت در محدوده غربی جاده سنتو از عواملی بودند که توسعه شهر را به سمت غرب تشدید کردند. در سمت شمال و شرق شهر توسعه به صورت حاشیه‌ای انجام گرفته و روستاهای زیادی با بافت شهر ادغام شدند. شروع به احداث کمربندی صدمتری، بر اساس طرح جامع، نیز از سال ۱۳۵۵ به بعد در سمت شمال و شمال شرق شهر رشد مدرنیت و مدرن‌سازی توسعه‌های حاشیه‌ای را در اطراف خود تشدید نمود (عباس زاده، ۱۳۸۴، ص. ۹۹). در مجموع تسلط گفتمان مبتنی بر الگوی مدرنیسم در شهر مشهد، دو تحول عمده در بافت کالبدی ایجاد کرد که همراستا با تحولات شهرسازی دوران استیلای مدرنیسم در ایران رخ داد. این دو مورد عبارتند از: احداث میدان‌ها و خیابان‌های جدید در دوره پهلوی اول و تخریب و توسعه فضاهای پیرامون حرم و ایجاد بازار رضا در دوره پهلوی دوم؛ بنابراین دانش به‌عنوان اهرم تقویت‌کننده قدرت حاکمه در جهت-دهی به توسعه شهر عمل کرد.

سومین گسست: انقلاب اسلامی ایران و تسلط خردگفتمان‌های ایدئولوژیک

گفتمان حاکم بر تحولات ساخت و بافت شهر مشهد پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تابعی از گفتمان اصول‌گرایی و توجه به ارزش‌ها و اصول اسلامی و انقلابی و محور قرار دادن آن در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری کلان و خرد حاکمیت می‌باشد. برنامه‌ریزی مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی و القای این تفکر به قانون برنامه چهارم توسعه کشور، جهت‌گیری توسعه کلان‌شهرهایی چون مشهد را روشن ساخت. ماده ۱۰۴ این قانون به ارتقای توان گردشگری در مناطق مستعد اختصاص یافت. تأمین زیرساخت‌های گردشگری، حمایت از ورود بخش خصوصی به اقتصاد گردشگری، افزایش رقابت‌پذیری نواحی مستعد، حمایت‌های دولتی از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی گردشگری در این برنامه مورد تأکید قرار گرفت که زمینه توسعه گردشگری در شهرهایی چون مشهد را فراهم کرد و این فرایند در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه ادامه یافت. در طرح‌های توسعه منطقه‌ای و محلی و پژوهش‌های حوزه

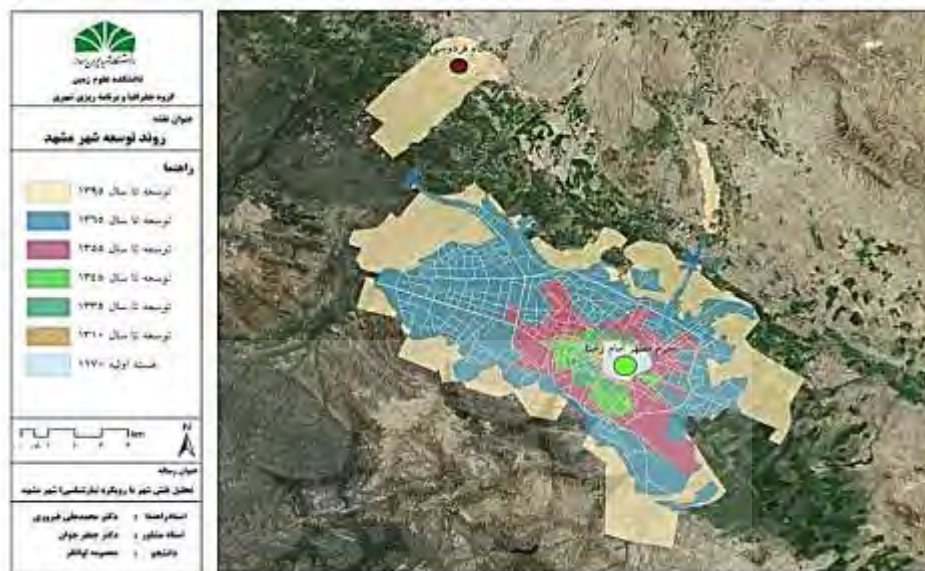
گردشگری و زیارت که در تعاملی مشترک میان نهادهای مدیریتی و مراکز علمی و پژوهشی تدوین شد، اپیستمه^۱ پشتیبان نقش گردشگری- زیارت مشهد پدیدار شد.

براین اساس، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در پی گسترش تسهیلات و خدمات زیارتی و گردشگری، تحولات عمیق و وسیعی در حجم زائران و شیوه زیارت و اقامت در مشهد پدید آمد. حضور سالانه میلیون و روزانه چند صد هزار نفری زائر و گردشگر عامل بسیار مؤثر و ویژه‌ای است که بر تمام مناسبات اقتصادی و اجتماعی، رفتارهای فرهنگی، فضاهای شهر و سیمای کالبدی- فضایی شهر و نقش و کارکرد آن در طول زمان تأثیر گذاشته است. شهر مشهد حوزه فعالیت زائران و گردشگرانی شد که علاوه بر انگیزه اصلی زیارت تمایل داشتند از سایر جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی پیرامون شهر بهره‌مند شوند. به همین دلیل تقاضای گردشگری به دنبال گسترش روزافزون زائران رو به توسعه گذاشت. اگرچه استقرار حکومت مبتنی برایدئولوژی اسلامی در این مقطع و تسلط گفتمان سنتی جدید، محدودیت‌هایی را برای توسعه فعالیت‌های گردشگری ایجاد کرد، اما فرایند جهانی شدن و فراگفتمان‌های فرهنگی و اجتماعی، فضای شهر مشهد را به سمت و سوی تفکرات پسامدرنیستی به پیش برد، بطوری که انعکاس آن را می توان در اسناد توسعه شهری و طرح‌ها و پروژه‌های گردشگری و اقدامات و برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی شهری مشاهده کرد. از جمله مهم‌ترین اقداماتی که در این راستا انجام شده است، توجه به شناسایی، احیا و باززنده- سازی فضاهای میراثی و واجد ارزش‌های مکانی- فضایی و میراث تاریخی و فرهنگی در شهر مشهد است. بررسی اسناد فرادستی توسعه شهر مشهد بعد از انقلاب نیز حاکی از تقویت نقش زیارت و گردشگری در این طرح هاست.

در طرح مجموعه شهری مشهد، ارزیابی دقیقی از امکانات و محدودیت‌های توسعه زیارت و گردشگری صورت گرفت تا بتواند برای تأمین نیازهای زیارتی و گردشگری به طور توأمان و هماهنگ در جهت الگوی تمرکز غیر متمرکز و ایجاد کانون‌های جدید فعالیت و تقسیم کار متوازن بر اساس مزیت‌های نسبی و رقابتی گردشگری برنامه‌ریزی کرد.

در طرح جامع مشهد، مهم‌ترین مسئله، تعریف جایگاه مجموعه حرم و زائران آن در ساختار فضایی و کارکردی شهر مشهد در چارچوب توسعه پایدار شهری است. بعد از آن برنامه‌ریزی و آینده‌نگری برای تأمین سایر نیازهای فراغتی و گردشگری برای عامه گردشگران در مقیاس‌های مختلف شهری، ملی، منطقه‌ای و فراملی است. در مقیاس طرح‌های تفصیلی شهری، عمدتاً مطالعات دارای دو هدف است؛ نخست تعیین جایگاه و نقش و کارکرد مناطق شهری از طریق تأمین خدمات زیارتی و امکانات آن در جهت کمک به توسعه پایدار و متوازن شهری و دوم، شناسایی و تجهیز سایر منابع فراغتی و گردشگری در سطح منطقه به منظور بهره‌برداری پایدار در مقیاس منطقه‌ای، شهری و فراشهری (فرهاد، مطالعات پایه زیارت، ۱۳۹۳، ص. ۲۵). در این اسناد توسعه‌ای، "زیارت و گردشگری" به‌عنوان نقش مسلط در برنامه‌ریزی‌ها، هدف‌گذاری شده و برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت شهری بر آن اساس تدوین شده است. این فرایند به نحوی بر بافت کالبدی شهر مشهد تأثیرگذار بوده که محلات پویا و فعال اجتماعی مرکز شهر مشهد را تبدیل به محدوده‌های گردشگرپذیر کرده و کارکرد مسکونی و اجتماعی شهری آن را تغییر داده است. چالش اساسی که در طی سه ساله اخیر در این محدوده‌ها رخ داده است، سایه نگاه کاسب‌کارانه به گردشگر است و هویت تاریخی شهر از دید اندک ساکنان باقی مانده، بهره‌برداران زمین و دستگاه‌های خدمات‌رسان شهری چندان حائز اهمیت نبوده است. فرایند اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت مرکزی شهر مشهد به نوعی مقوم این طرز تفکر به شهر بوده است که نتیجه آن تخریب و نابودی محلات دارای ارزش معنایی و هویتی شهر مشهد است. اگر چه اخیراً به منظور کنترل و مدیریت این موضوع اقداماتی صورت گرفته، فضاهای از دست رفته شهری مشهد، به آن باز نخواهد گشت. در سال‌های اخیر به منظور جلوگیری از تداوم اقدامات مغایر با حفاظت از حیثیت مکان و ارزش‌های ملموس و ناملموس بافت تاریخی - فرهنگی پیرامون حرم امام رضا (ع)، طرح نوسازی و بهسازی بافت پیرامون حرم - مصوب سال ۱۳۸۷ - لغو و اجرای آن متوقف شد و پس از آن در مرداد ۱۳۹۶ ضوابط حریم منظر حرم امام رضا (ع) به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد. پیگیری و تدوین و تصویب ضوابط مذکور حاکی از نقش پررنگ و مسلط زیارت و هویت شهری مبتنی بر فرهنگ زیارت در شهر مشهد است که همچنان از طریق عناصر قدرت

و رشته‌ها و شبکه‌های دانش‌پشتیبان آن، به بازتولید فضای شهری بر مبنای ایدئولوژی حاکم می‌پردازد.

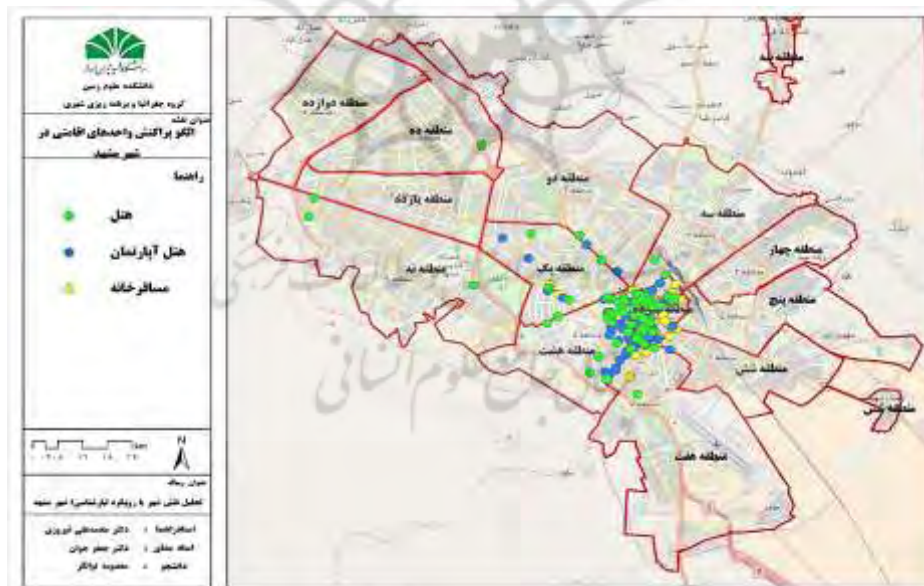


شکل ۲- نقشه روند توسعه فیزیکی شهر مشهد از ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۵

مأخذ: مهندسین مشاور فرهاد، ۱۳۹۳

آثار استیلای گفتمان زیارت - گردشگری و تقویت این نقش، در نحوه برنامه‌ریزی و مدیریت بر زیرساخت‌های گردشگری و زیارت و آمار ورودی زائران و گردشگران هویدا است. این آثار در ابعاد اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و کالبدی قابل طرح و واکاوی است. ذبیر اساس مدل تعیین نقش شهر بوژوگاریه و همچنین آمار تعداد شاغلین ارایه شده توسط شهرداری مشهد، طی سال‌های (۱۳۹۵-۱۳۹۰)، نقش شهرمشهد به سمت نقش بازرگانی سوق یافته و شهرمشهد، با توجه به آمار سال ۱۳۹۵ دارای نقش بازرگانی- تجاری می باشد. عمده فعالیت‌های خرده‌فروشی نیز در زمینه ارائه کالاها و خدمات بخش گردشگری و به ویژه سوغات گزارش شده است (شهرداری مشهد، ۱۳۹۵). درآمد حاصل از زائر و زائرپذیری در شهرمشهد بسیار چشمگیر است به طوری که از ۹۱,۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۵ به حدود ۱۰۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ و به رقم ۸۶۳۸,۶۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته

است (استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۰، ص. ۳۴). روند حضور زائرین در شهر مشهد، دارای روندی صعودی بوده و با شیبی ملایم، تعداد گردشگران و زائران کلان‌شهر مشهد در سال‌های آینده رو به افزایش است. بطوری‌که از ۲۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۲ به ۳۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹۶ رسیده است (استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰). نقش و کارکرد گردشگری در شهرها، علاوه بر تأثیراتی که بر بافت و ساخت کالبدی شهر برجای می‌گذارد، در برنامه‌ریزی کاربری اراضی و تخصیص زمین و منابع مالی، به تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز این نقش نیز می‌انجامد. لذا پذیرش نقش گردشگری و تقویت و توسعه آن در طی دوره‌های مختلف تحولات فیزیکی و کالبدی شهر مشهد، از طریق واکاوی چگونگی تخصیص تسهیلات و تجهیزات شهری و پراکنش آن‌ها در فضای شهری مرتبط با این نقش نیز قابل تحلیل است. زیرساخت‌ها در برگیرنده تمامی ساخت و سازهای زیربنایی و روبنایی یک محدوده جغرافیایی محسوب می‌شوند و به طور عمده شامل سیستم‌های ارتباطی، سیستم‌های بهداشتی، حمل‌ونقل و اجزای آن، هتل‌ها، رستوران‌ها، مراکز خرید، مراکز تفریح و... می‌باشند.



شکل ۳- الگوی پراکنش تأسیسات اقامتی (هتل‌ها و هتل آپارتمان‌ها) در شهر مشهد

مأخذ: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی، ۱۳۹۶

زائران و گردشگران شهر مشهد در حقیقت شهروندان موقتی هستند که همانند شهروندان از تأسیسات و تجهیزات شهری استفاده می کنند. لذا بر اساس مطالعات طرح جامع شهر مشهد و طرح‌های توسعه حوزه زیارت و گردشگری، سرانه تأسیسات و تجهیزات مورد نیاز با توجه به جمعیت ساکن و موقت (گردشگر) شهر مشهد تا افق ۱۴۰۴ محاسبه شده تا فضای شهری توانایی پاسخ‌گویی به نیاز گردشگران و ساکنان را داشته باشد. این زیرساخت‌ها شامل ۷۰۰ کیلومتر معبر درون شهری، پنج نوع تاکسی فعال (۱۳۲۷۴ دستگاه)، تعداد ۲۱۳۳ دستگاه اتوبوس شهری، ۱۱۲۹۸ فضای پارک در پارکینگ‌های متعلق به شهرداری مشهد، یک خط فعال و سه خط برنامه‌ریزی شده قطار شهری، ۱۴۰۰ کیلومتر خط ریلی با سهم جابجایی ۴۲ درصد از کل شبکه ریلی کشور و رتبه دوم بعد از تهران، انجام بیش از ۲۳۸۲۸ پرواز داخلی و ۶۳۷۷ پرواز خارجی (ورودی ۱۳۹۴) از طریق فرودگاه بین‌المللی مشهد، ۹۲۲ واحد تأسیسات اقامتی رسمی (هتل، هتل آپارتمان و مهمانپذیر) با ظرفیت ۹۰۹۱۱ تخت در سال ۱۳۹۶ که بیش از ۹۰ درصد آن‌ها در محدوده بافت مرکزی شهر و اطراف حرم مطهر مستقر می باشد، افزایش ظرفیت پذیرش زائر در حرم مطهر در غالب افزایش رواق‌ها و صحن‌ها و فضاهای زیارتی، توسعه روضه منوره، احداث فضاهای فرهنگی، علمی، خدماتی و رفاهی، حفظ و احیای موقوفات و ندورات، ارائه برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی، تبلیغی، ایجاد مؤسسات فرهنگی و اجتماعی و... توسط آستان قدس رضوی و اقدامات فرهنگی سازمان‌های متولی مدیریت زیارت و گردشگری، از زیر ساخت‌های کالبدی و فرهنگی است که با هدف توسعه گردشگری و زیارت و تعمیق و تقویت نقش و کارکرد زیارتی-گردشگری شهر مشهد در قالب طرح‌ها و برنامه‌های دستگاهی و مشترک، برنامه‌ریزی و مدیریت شده است (استاندارداری خراسان رضوی، ۱۳۹۵، سازمان ترافیک شهرداری مشهد، ۱۳۹۵، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان، ۱۳۹۶).

استیلائی گفتمان زیارت-گردشگری بر نقش‌پذیری شهر مشهد، در بررسی ساختار سازمانی و تشکیلاتی اجرایی حوزه زیارت و گردشگری مذهبی-زیارتی بازنمود می یابد. تشکیل و تصویب کارگروه ملی زیارت در دهه ۱۳۹۰ با مسئولیت معاون اجرایی رئیس جمهور و همکاری استانداری خراسان رضوی، آستان قدس رضوی، شهرداری مشهد، اداره کل میراث

فرهنگی استان و سایر دستگاه‌های عضو کارگروه در تراز منطقه‌ای و محلی، مهمترین گام در راستای تقویت نقش زیارتی مشهد بود که با پشتیبانی عناصر قدرت در سطح ملی، شکل گرفت. دستگاه‌های اجرایی در ارتباط با زیارت در سه سطح ملی (دولتی و غیردولتی)، منطقه‌ای و محلی به ایفای نقش در این خصوص می‌پردازند که در تعامل با یکدیگر، گفتمان مسلط و مبتنی بر روابط قدرت/ دانش، تقویت کننده نقش گردشگری- زیارت شهرمشهد را مدیریت می‌کنند.



شکل ۴- دستگاه‌های اجرایی در ارتباط با زائر و زیارت و گردشگری در اسناد و طرح‌ها

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

دستگاه‌های ذکر شده بیشترین تأثیرگذاری در تولید و بازتولید فضای شهرمشهد بر مبنای نقش و کارکرد گردشگری و زیارت را رهبری می‌کنند. علاوه بر گفتمان رسمی مذکور، نهاد آستان قدس رضوی به عنوان یک عامل فراگفتمانی تأثیرگذار با در اختیار داشتن قدرت مدیریت بر اراضی شهری مشهد و مالکیت وقفی ۵۱ درصد از اراضی شهری، به عنوان مهم‌ترین عامل قدرت تأثیرگذار بر ساختار مدیریت بر شهر، چگونگی توسعه آن و جهت‌دهی به نقش و کارکرد آن در طول زمان عمل کرده است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این نوشتار تلاش شده است تا با تمرکز بر روش تبارشناسی فوکو، به تحلیل نقش زیارتی و گردشگری شهر مشهد، از طریق شناسایی گسست‌ها، گفتمان‌های مسلط و آثار فضایی گفتمان‌ها بر شهر مشهد پرداخته شود و با بررسی ساختار قدرت در پیوند با دانش که به تولید فضای شهری منجر شده، تحلیل مناسبی از تحولات نقش شهری مشهد ارائه شود. به این منظور، به بررسی پیشینه و منابع علمی مرتبط که عمدتاً با رویکرد نحولات و فرایند گذار تاریخی شهرها که نهایتاً منجر به تغییرات نقش آن‌ها در طول زمان شده است، پرداخته شده است. مبانی نظری و چارچوب مفهومی پژوهش بر مبنای اجزای روش تبارشناسی شامل گسست‌ها، گفتمان‌ها و آثار تسلط گفتمان‌ها تدوین شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که پیدایش و توسعه شهر مشهد در پیوند با نقش زیارتی آن معنا می‌یابد. رهیافت تبارشناسی به مثابه چارچوب نظری و روشی است که پدیده شهر را با نگاهی تاریخی می‌نگرد. در نگاه تاریخی مبتنی بر تبارشناسی، ساختار قدرت/دانش پدید آورنده نقش زیارتی و گردشگری مشهد، در درون دو کلان‌گفتمان دوران تسلط مدرنیسم و پیش از ورود مدرنیسم، تحلیل و واکاوی شده است. گفتمان پیشامدرن تحت تأثیر دو گسست مهم؛ نخست شهادت امام رضا(ع) و پیدایش مشهدالرضا و دوم، استقرار حکومت صفویان و رسمیت مذهب تشیع در ایران، عرصه نقش‌آفرینی روابط قدرت/دانش به سمت و سوی تقویت نقش مذهبی و زیارتی مشهد پیش رفت و در هنگامه ورود مدرنیسم به کشور و تسلط گفتمان مبتنی بر آن و در پاسخ به تحولات فضای اجتماعی شهر، در تعامل با فضای جهانی و ملی و در قالب سه خرد گفتمان مشروطیت، ملی‌گرایی عصر پهلوی و اصول‌گرایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به سوی نقش تلفیقی زیارتی-گردشگری حرکت کرد. شهر مشهد به عنوان نخستین شهر استان خراسان رضوی در طول دوره شکل‌گیری و رشد خود، گسترش فیزیکی قابل توجهی داشته است. یکی از ویژگی‌های توسعه فضایی مشهد، برخلاف سایر کلان‌شهرهای کشور، توسعه تحت تأثیر فعالیت‌های اقتصادی بخش خدمات (به طور عمده زیارتی و گردشگری) است. این ویژگی در تشدید تمرکز خدمات و صنایع مصرفی در نزدیکی شهر و عدم شکل‌گیری مراکز صنایع اساسی و سکونت‌گاه‌های مستقل در پیرامون شهر مؤثر بوده است. اگر چه جنبش

مشروطیت یکی از مهم‌ترین نقاط گسست تاریخی مشهد و تغییر رویکرد توسعه شهری و تحولات اجتماعی جریان روشنفکری در ایران بود، نتایج آن در بعد کالبدی و اقتصادی در دوران پهلوی بروز و نمود بیشتری یافت. گفتمان حاکم بر تحولات شهری دوران پهلوی اول و دوم در عرصه شهری، تماما بر پایه اصول مدرنیسم (هرچند ناقص) و فارغ از تفکرات مذهبی تاثیرگذار بر برنامه‌ریزی و مدیریت شهر بود و تفکر "جدایی سیاست از دین" بر سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های ملی و بین‌المللی سایه افکننده بود. تحولات شهری و توسعه کالبدی - فیزیکی شهرها بر پایه مدل‌های غربی و نقش‌پذیری شهرها بر پایه نقش ملی و بین‌المللی آن‌ها و نظام سلسله‌مراتبی توزیع قدرت در کشور، تعریف می‌شد که انعکاس و بازنمود آن را می‌توان در طرح‌های توسعه منطقه‌ای و محلی و برنامه‌های توسعه کشور و شهرهای بزرگی چون مشهد در آن مقطع مشاهده کرد. مشهد به‌عنوان دومین کلان‌شهر مذهبی جهان اسلام با حدود ۲۷ میلیون زائر در سال ۱۳۹۵ و پذیرش نقش بین‌المللی "مشهد پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۷" از جایگاه ویژه‌ای در صنعت گردشگری ایران برخوردار است. وجود بالغ بر ۱۵۰۰ واحد اقامتی با ظرفیت اسکان ۱۱۷۰۰۰ نفر شب، ۱۶ اقامتگاه بوم-گردی، ۳۳۷ دفتر و شرکت خدمات مسافرتی، ۱۵۸ مجتمع پذیرایی، میان‌راهی و سفره‌خانه سنتی، دریافت رتبه برتر ملی در حوزه نظارت بر تأسیسات گردشگری (مهرماه ۹۶)، وجود ۱۲ روستای هدف گردشگری و ۳۳ منطقه نمونه گردشگری از جمله نقاط قوت و پتانسیل‌هایی است که این استان و به‌ویژه شهر مشهد به منظور توسعه صنعت گردشگری در اختیار دارد. همچنین، وجود ۱۴۰۷ اثر تاریخی ثبت شده استان در فهرست آثار ملی که در حدود ۵۰۰ اثر آن مربوط به شهر مشهد می‌باشد، وجود موزه‌های باستان‌شناسی و مردم‌شناسی، اختصاص ۳ روز از ۵ روز ملی مفاخر و مشاهیر کشور در استان با مرکزیت مشهد، وجود ۷ پایگاه میراث فرهنگی ملی در استان که پایگاه توس به عنوان یکی از مهم‌ترین این موارد است و در محدوده شهر مشهد، یکی از جاذبه‌ها و ذخایر فرهنگی و گردشگری این شهر محسوب می‌شود و ارتباطات مستمر اداری و حقوقی دستگاه‌های اجرایی شهر مشهد که هر یک دارای شرح وظیفه سازمانی در مدیریت و ارائه خدمات گردشگری هستند، حاکی از برتری نقش گردشگری و زیارتی در این کلان‌شهر است. بنابراین، تحلیل تبارشناسانه نقش شهر مشهد

نشان می‌دهد که نقش زیارتی به عنوان نقطه آغاز پیدایش و توسعه شهر مشهد بوده و تا کنون نیز استمرار یافته است، اما تحولات سیاسی - اجتماعی و ورود تفکرات مبتنی بر سرمایه‌داری دوران مدرنیسم و پست مدرنیسم فضای شهر را در ابعاد کالبدی، اجتماعی و اقتصادی، به سمت و سوی نقش مکمل زیارتی، یعنی گردشگری سوق داده است و ساختارهای درهم تنیده دانش و قدرت، در یک مشارکت فعال و آگاهانه، توسعه شهری را به سمت تلفیق نقش زیارت با گردشگری هدایت کرده‌اند. از آنجا که تبارشناسی، رویکردی انتقادی به مسائل دارد، ره‌آورد پژوهش حاضر می‌تواند پاسخ‌گوی تعارضات نظری برنامه‌ریزان و بازیگران حوزه مدیریت زیارت و گردشگری در کشور و شهر مشهد باشد.

کتاب‌نامه

۱. احمدی، ب. (۱۳۷۴). کتاب تردید. چاپ یازدهم. تهران: نشر مرکز.
۲. احمدی، ح؛ خوشبین، م. (۱۳۹۳). مشروطیت در مشهد: زمینه‌ها، فرایندها و سیاست‌های روسیه. فصل‌نامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، ۱۱۱ (۲۱)، ۲۳-۱۱.
۳. اخلاقی فیض‌آثار، م؛ ابریشمی، ح. (۱۳۷۰). نقش صنعت توریسم در تحولات اقتصادی شهر مشهد. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی. دانشگاه تهران. تهران: ایران.
۴. اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی. (۱۳۹۶). گزارش آماری گردشگران ورودی به خراسان رضوی.
۵. استانداری خراسان رضوی. (۱۳۹۵). گزارش عملکرد دولت تدبیر و امید.
۶. استانداری خراسان رضوی. (۱۳۹۶). گزارش معاونت زیارت از گردشگران ورودی به خراسان رضوی.
۷. استانداری خراسان رضوی. (۱۳۹۰). طرح آمایش استان خراسان رضوی، گزارش پیوندهای اقتصادی استان.
۸. امیرفخریان، م؛ رهنما، م. ر. (۱۳۸۴). بررسی روند احیای مرکز شهر مشهد (۱۳۸۴-۱۳۵۷). مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۴ (۱)، ۱۰۳-۸۳.
۹. امیرفخریان، م؛ مبینی، ح. (۱۳۹۶). تدوین شاخص‌های شناسایی مکان‌های با ارزش معنایی و هویتی در شهر مشهد. تهران: دفتر مرکزی جهاددانشگاهی.

۱۰. ایزدپناه جهرمی، آ؛ ایزدی، ن؛ حبیبی، س. م؛ کوشش، م؛ ملکوتی، م؛ اهری؛ افشنگ. ز. (۱۳۸۵). شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر با تاکید بر دوره زمانی ۱۳۸۳ - ۱۳۵۷. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۱. بحیرایی، ح؛ سرور، ر؛ کارگر، ب؛ فرجی راد، ع. (۱۳۹۵). تحلیل راهبردی تحولات فضایی-کارکردی در پهنه حریم جنوبی کلان‌شهر تهران: مطالعه موردی: شهرستان‌های ری و اسلامشهر. فصل‌نامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر، ۲۵(۹۸)، ۷۲-۵۷.
۱۲. برزگران، ح. ع. (۱۳۷۶). نقش پذیری شهر بیرجند از گذشته تا کنون. مجله آموزش جغرافیا، ۴۴ (۳). ۳۰-۴۱.
۱۳. پارک علم و فناوری خراسان. (۱۳۹۰). طرح توسعه کمی کیفی زیارت امام رضا(ع)؛ بررسی تطبیقی الگوهای توسعه زیارت در شهرهای زیارتی منتخب جهان.
۱۴. رضانی، ع. (۱۳۸۶). رضا شاه چهره تاریخی. تهران: امیرکبیر.
۱۵. رهنما، م. ر. (۱۳۷۰). بررسی علل رشد و توسعه شهر مشهد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۶. سازمان ترافیک و حمل و نقل شهرداری مشهد. آمارنامه حمل و نقل شهر مشهد. (۱۳۹۵).
۱۷. سقایی، م. (۱۳۸۲). گردشگری و تبارشناسی، صورتبندی یک پدیده جغرافیایی. فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، ۶۸(۱)، ۴۹-۲۴.
۱۸. شبلینگ، ژ. (۱۳۷۷). جغرافیا چیست. (ترجمه، س. سهامی). مشهد: محقق.
۱۹. شرت، ا. (۱۳۸۷). فلسفه علوم اجتماعی قاره ای: هرمنوتیک، تبارشناسی و نظریه انتقادی از یونان باستان تا قرن بیست و یکم. (ترجمه، ه. جلیلی). تهران: نشر نی.
۲۰. شکویی، ح. (۱۳۷۹). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. تهران: سمت.
۲۱. شهرداری مشهد، آمارنامه شهر مشهد. (۱۳۹۵).
۲۲. صالحی‌زاده، ع. (۱۳۹۰). درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو. فصل‌نامه معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲(۳)، ۱۱۳-۱۴۱.
۲۳. صدیقی، ع. (۱۳۳۸). تاریخ فرهنگ ایران. تهران: امیرکبیر.
۲۴. صدیقی، ب. (۱۳۹۰). آیا جنبش مشروطه آغازی دارد؟ خوانشی فوکویی از جنبش مشروطه و نقش روشنفکران در آن. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۲ (۳)، ۳۶-۳.
۲۵. صدیقی، غ. (۱۳۷۲). جنبش‌های دینی ایران. تهران: پازنگ.

۲۶. عالم، ع؛ یحیوی، ح. (۱۳۸۸). فوکو، اندیشمندی انتقادی. فصل‌نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۹(۲)، ۲۵۷-۲۳۱.
۲۷. عباس زاده غ. (۱۳۸۴). الگوسازی رشد کالبدی بافت‌های شهری در راستای توسعه پایدار، نمونه موردی شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری. دانشگاه فردوسی مشهد. ایران.
۲۸. عبداللهی، ع؛ جوان، ج. (۱۳۸۹). درآمدی بر فلسفه علم و پژوهش در علوم انسانی، کتاب دوم: روش و روش شناسی. چاپ اول. تهران: چاپار.
۲۹. عضدانلو، ح. (۱۳۸۵). میشل فوکو اندیشه‌ورز نا اندیشه‌ها. مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۲۰(۷-۸)، ۱۸۷-۱۸۵.
۳۰. فوکو، م. (۱۳۸۱). نیچه، تبارشناسی، تاریخ (حقیقت و قدرت). (ترجمه، ن. سرخوش و ا. جهانزاده). چاپ اول. تهران: نشر نی.
۳۱. فوکو، م. (۱۳۸۱). نیچه، فروید، مارکس. (ترجمه، ا. جهانزاده؛ م. نورایی؛ ب. جعفری؛ ا. خاکباز؛ ع. روح بخشان). تهران: هرمس.
۳۲. فوکو، م. (۱۳۸۷). مراقبت و تنبیه. (ترجمه، ن. سرخوش و ا. جهانزاده). تهران: نشر نی.
۳۳. فوکو، م. (۱۳۷۸). نظم گفتار. (ترجمه، ب. پرهام). تهران: آگاه.
۳۴. قادری، ح. (۱۳۸۰). اندیشه‌های سیاسی قرن ۲۰. چاپ دوم. تهران: وزارت امور خارجه.
۳۵. قاسمی خوزانی، م. (۱۳۸۷). ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی - فرهنگی و مدیریت آن در کلان‌شهر مشهد. رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه شهید بهشتی تهران. تهران. ایران.
۳۶. کچوئیان، ح؛ زائری، ق. (۱۳۸۸). ده گام اصلی روش‌شناختی در تحلیل تبارشناسانه فرهنگ (با اتکا به آرای میشل فوکو). مجله راهبرد فرهنگ، (۷)، ۳۰-۷.
۳۷. مافی، ع؛ سقایی، م. (۱۳۸۸). بررسی گردشگری در کلان شهرهای مذهبی: مطالعه موردی کلان شهر مشهد. همایش منطقه‌ای جغرافیا و توسعه پایدار شهرها. ۶ اردیبهشت ۱۳۸۸. دانشگاه آزاد اسلامی شیروان. صص ۱۹-۱.
۳۸. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. (۱۳۹۱). مدخلی بر اقتصاد سیاسی نظام کلان‌شهری در ایران. گزارش ۱۳۵.

۳۹. منوچهری، ع؛ رنجبر، ا. (۱۳۸۹). نسبت فلسفه سیاسی و قدرت در اندیشه سیاسی لئواشترائوش و میشل فوکو. فصل‌نامه سیاست. ۴۰ (۲)، ۳۱۸-۳۰۷.
۴۰. مهندسین مشاور فرهاد. (۱۳۹۳). طرح توسعه و عمران (جامع) کلان‌شهر مشهد. گزارش مطالعات پایه زیارت.
۴۱. مهندسین مشاور مهرازان. (۱۳۷۰). طرح جامع شهر مشهد. ۱۳۷۰-۱۳۹۵.
۴۲. مویر، ر. (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی. (ترجمه، د. میرحیدر و س. ی. صفوی). چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۴۳. میراحمدی، م. (۱۳۶۳). دین و مذهب در عصر صفوی. تهران: امیرکبیر.
۴۴. میلانی، ت. (۱۳۹۰). مفهوم قدرت در اندیشه میشل فوکو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه. دانشگاه تبریز. تبریز. ایران.
۴۵. میلز، س. (۱۳۹۵). میشل فوکو. (ترجمه، د. نوری). تهران: نشر مرکز.
۴۶. نیک مهر، ا؛ وکیلی، ه. (۱۳۹۲). نیت و مصارف موقوفات واقفان مشهد در دوره پهلوی اول و دوم. مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، ۴۵ (۹۱)، ۱۳۱-۱۰۹.
۴۷. هادیانی، ز؛ مومنی، م. (۱۳۸۵). تعامل فضا، فرهنگ و قدرت در سازمان‌یابی فضای شهر زاهدان. رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری. دانشگاه شهید بهشتی تهران. تهران. ایران.
۴۸. هاشمی، ا. (۱۳۵۳). تاریخ فرهنگ ایران. تهران: مدرسه عالی زبان‌های خارجی.
۴۹. وثوق رضوی مشهدی، ک؛ مافی، ع. (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی توسعه فضایی با رویکرد آینده پژوهی در شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه فردوسی مشهد مشهد. ایران.
۵۰. وحدت زاده، و. (۱۳۸۶). تأملی بر شهرسازی دوره پهلوی اول. مجله هنرهای زیبا، (۳۱)، ۱۳-۱.

51. Bank Infrastructure Group Urban Development. (2000). *Cities in transition; World Bank Urban and Local Government Strategy*. Washington, D.C.:The World Bank.
52. Campbell, S.D. (2001). *The changing role and identity of capital cities in the global era*. Michigan, IL: University of Michigan.
53. Cornish, V. (1971). *The great capitals; A historical geography*. Westport, Conn: Greenwood.
54. Gottmann, J. (1977). The role of capital cities. *Athens Center of Ekistics*, 44(244), 240-243.
55. Hall, P. (2000). The changing role of capital cities, *plan*, 40(3), 8-11.

56. Harrington, J. W. (2005). *New Economic spaces: New economic geographies (Dynamics of economic space)*. Aldershot, England: Ashgate.
57. Hermant-de Callataÿ, C., & Svanfeldt, C. (2011). *Cities of tomorrow Challenges, visions, ways forward*. Retrieved from <https://b2n.ir/318665>.
58. Hubbard, H., Kitchin, R., & Valentine, J. (2004). *Key thinkers on space and place*. London, England: SAGE.
59. Jackson, J. N. (2007). *The urban future: A choice between Alternatives*, London, England: Routledge.
60. Mayer, H. (2016). Capital city dynamics: Linking regional innovation systems, locational policies and policy regimes. *Cities*, 51, 11-20.
61. Zimmermann, H. (2010). Do different types of capital cities make a difference for economic dynamism. *Environment and Planning C: Politics and Space*, 28(5), 761-767.

